



University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Volum: 14 Issue: 36
Autumn 2023

Pages: 1-23

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/JIIPH.2023.42585.2292

Received: 2022/02/01 Received in revised form: 2022/12/21 Accepted: 2023/01/16 Published: 2023/10/01

Land Ownership with Dehkhoda Sur Israfil; Explain a Contradiction

Seyyed Hashem Aghajari¹ | Mehdi Zamani²

Abstract

Ali Akbar Dehkhoda presented two different views - radical and moderate- in relation to the issue of land ownership in different issues of Sur-e Israfil newspaper. The main issue of the present study is to explain the dual reading of Dehkhoda from the category of land ownership. Dehkhoda in his early writings took a radical and socialist look Provides coverage of human and Islamic rights in relation to land ownership and speaks of the unconditional transfer of land to the subjects and considers its coercive realization through the reform project or, if necessary, through the possibility of a peasant revolution. However, in the following posts, take a modified look and, by accepting the property rights of the owners, He offered to transfer the property to the subjects in exchange for paying their price through the bank. The present study, based on Skinner's intentional hermeneutics, reveals the findings and points in response to the above problem. Characteristics of the dominant linguistic-discourse and intellectual-social space, including: Intensification of political tensions and alignment of proponents and opponents of the constitution, Discourse disputes between legitimacy and constitutionalism, Discourse disputes between legitimacy and constitutionalism, Attack on the office of the newspaper Sur-e Israfil and a delay of more than a month in its publication, Along with the approval of the Impressions Law and the establishment of a peace committee(In the presence of Jahangir Khan, the director of Sur-e Israfil) and request to stay away from extremism, Caused Dehkhoda to respond in this way.

Keywords: Dehkhoda, Sur-e Israfil, Land Ownership, Islam, Socialism.

1. Associate Professor of Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (corresponding author)

aghajari@modares.ac.ir

2. Ph.D Candidate in History, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

mehdizamani12@gmail.com



مالکیت ارضی نزد دهخدا؛ صوراسرافیل؛ تبیین یک تناقض

سید هاشم آقاجری^۱ | مهدی زمانی^۲

چکیده

علی‌اکبر دهخدا در شماره‌های مختلف روزنامه صوراسرافیل دو نگاه متفاوت رادیکال و معتدل را در ارتباط با مقوله مالکیت ارضی ارائه کرد. مسئله اصلی تحقیق حاضر تبیین خوانش دوگانه دهخدا از مقوله مالکیت ارضی است. دهخدا در نوشته‌های اولیه خود، نگاهی رادیکال و سوسیالیستی با پوشش حقوق بشری و اسلامی در ارتباط با مالکیت ارضی ارائه می‌دهد و از واگذاری بدون قید و شرط زمین به رعایا سخن می‌گوید و تحقق جبری آن را از طریق پروژه اصلاحات و یا در صورت لزوم از طریق امکان انقلاب دهقانی می‌بیند. با این حال در نوشته‌های بعدی، نگاهی تعدیل شده را دنبال کرده و با پذیرش حق مالکیت مالکان، انتقال املاک به رعایا را در ازای پرداخت بهای آن‌ها و با واسطه‌گری بانک پیشنهاد داده است. تحقیق حاضر با تاسی به هرمنوتیک قصدی-زمینه‌ای اسکینر، یافته‌ها و نکاتی را در پاسخ به مسئله ذکر شده در بالا معلوم می‌سازد. ویژگی‌های فضای زبانی-گفتمانی و فکری-اجتماعی حاکم از جمله تشدید تنش‌های سیاسی و صف‌آرایی موافقان و مخالفان مشروطه، نزاع‌های گفتمانی مشروعه‌خواهی و مشروطه‌خواهی، حمله به دفتر روزنامه صوراسرافیل و وقفه بیش از یک‌ماهه در انتشار آن، در کنار تصویب قانون انطباعات و ایجاد کمیته صلح (با حضور جهانگیرخان مسؤل صوراسرافیل) و درخواست دوری جستن از تندروی موجب شد تا دهخدا بدین‌گونه پاسخ دهد.

واژگان کلیدی: دهخدا، صوراسرافیل، مالکیت ارضی، اسلام، سوسیالیسم.

مقدمه

علی‌اکبر دهخدا (۱۲۵۷-۱۳۳۴ش)، سیاستمدار، ادیب، شاعر و طنزپرداز دوره پسامشروطه است که نوشته‌های پراهمیتی را در راستای تعیین جهت‌گیری سیاسی و اجتماعی نظام تازه‌استقرار یافته، منتشر کرد. او در این سلسله مطالب که عمدتاً در روزنامه *صوراسرافیل*، از ربیع‌الثانی سال ۱۳۲۵ق تا جمادی‌الاول سال ۱۳۲۶ق منتشر شده، به مقوله‌های مختلفی نظیر مقوله مالکیت (ارضی) توجه داشته است و در این ارتباط، خوانش خاصی را متأثر از زمینه تاریخی وقت ارائه داده است. به نظر می‌رسد که در فهم دهخدا از مقوله مالکیت مخصوصاً مالکیت ارضی، نوعی گسست یا تناقض به چشم می‌خورد. این خوانش دوگانه دهخدا از مقوله مالکیت ارضی و علل و عوامل مؤثر بر ایجاد این تناقض آراء که موضوع این تحقیق است تا جایی که نگارنده بررسی کرده است در آثار مرتبط با دهخدا چندان مورد توجه قرار نگرفته است. برخی محققان که در آثار خود ابعاد مختلف زندگی و اندیشه دهخدا را مورد توجه قرار داده و به تحلیل و ارزیابی آثار او پرداخته‌اند، توجهی به موضوع بحث این تحقیق نداشتند. باین حال پیش از این خوانش دهخدا از مالکیت ارضی مورد توجه برخی از محققان قرار گرفته است. فریدون آدمیت در کتاب *فکر دموکراسی/ اجتماعی* ضمن ارائه گزارشی از طرح مقوله مالکیت ارضی در مجموعه مقالات *صوراسرافیل* آن را تلاش یک «اندیشه‌گر سوسیال‌دموکرات» ناشناس در راستای نظریه «الغای نظام ارباب‌رعیت» می‌دیده است و به شرح تناقض و تأثیر زمینه تاریخی بر ایجاد آن دوگانگی پرداخته است (آدمیت، ۲۵۳۵: ۵۹-۵۰). وی در اثر دیگر خود *ایدئولوژی نهضت مشروطیت* گفته‌های پیشین را با این تفاوت که از دهخدا به‌عنوان نویسنده مقالات نام برده، تکرار کرده است (آدمیت، ۱۹۸۰: ۲۸۳-۲۷۳). احمد سیف نیز در مقاله‌ای با عنوان «اندیشه‌های اقتصادی دهخدا»، خوانش دهخدا در این خصوص را به‌عنوان راه‌حلی برای حل مسئله ارضی و برون رفت اقتصاد ایران از مخمصه‌ای که در آن گرفتار بوده است، تحلیل کرده است؛ اما به شرح تناقض گفته‌شده، زمینه تاریخی و سنخ‌شناسی خوانش ارائه‌شده کم‌اعتنا بوده است (سیف، ۱۳۸۲: مقاله نخست). خسرو شاکری نیز در کتاب *پیشینه‌های اقتصادی- اجتماعی جنبش مشروطیت*، ضمن توجه به گرایش‌های سوسیالیستی دهخدا (شاکری،

۱۳۸۴: ۳۰۷)، تنها در تشریح موانع تحقق انکشاف اقتصاد ملی و اثبات وجود فکر ملی کردن زمین به‌عنوان یک عامل برانگیزنده توسعه اقتصادی در مباحث مشروطه‌خواهان به مقالات مذکور ارجاع می‌دهد (همان، ۱۶۵ و ۳۸۲). از این میان سهراب یزدانی در دو اثر خود توجه بیشتری به این سلسله مقالات و خوانش ارائه‌شده در آن داشته است. او در بخش چهارم کتاب *صوراسرافیل؛ نامه آزادی*، خوانش روزنامه *صوراسرافیل* درخصوص مقوله مالکیت ارضی را با تقسیم به چهار بخش به تفصیل به بحث گذاشته است. اهتمام او علاوه بر گزارش خوانش موجود به چرخش محور بحث «از پیشرفت کشور به جهش از سرمایه‌داری و ایجاد سوسیالیسم» است. علاوه بر این یزدانی در ادامه بحث خود نیز اضافه کرده است که ریشه اندیشه نهفته در پس این خوانش بیش از آنکه به گرایش‌های سوسیالیستی و سوسیال دموکراتیک نزدیک باشد، از فکر نارودنیسمی سده نوزدهم روسیه تأثیر گرفته است که چشم‌به‌راه انقلاب سوسیالیستی از طریق دهقانان بود و با بدبینی به سرمایه‌داری، خواهان پرهیز از این دوره پرمصیبت بود (یزدانی، ۱۳۸۶: ۱۶۴-۱۳۳). یزدانی در اثر دیگر خود *اجتماعیون عامیون*، نوشته‌های *صوراسرافیل* درخصوص مقوله مالکیت ارضی را دارای رگه‌های سوسیالیستی و در راستای تبلیغ فکر فرقه اجتماعیون و عامیون و تشریح خواست ارائه‌شده آن‌ها در برنامه مشهد می‌پندارد اما در ادامه اذعان می‌کند که نویسنده فراتر از برنامه مذکور پیش رفته و گفته‌های پیشین خود را تکرار می‌کند (یزدانی، ۱۳۹۱: ۲۲۶-۲۱۸). از این رو تحقیق پیش رو قصد دارد تا با تمرکز بر نوشته‌های دهخدا در *صوراسرافیل* مواضع او در قبال مسئله سرنوشت‌ساز و بغرنج مالکیت به‌خصوص مالکیت ارضی را به بحث گذاشته و از طریق سنخ‌شناسی انواع دیدگاه‌های ممکن به این امر و آراء موجود در دو سده اخیر در سطح جهان، تفاوت و یا تعارض احتمالی در این دیدگاه‌های دهخدا را خصلت‌نمایی کند. از آنجاکه دهخدا یکی از روشنفکران تأثیرگذار عصر مشروطه است، مشاهده و تبیین تنوع آراء او در این موضوع پراهمیت می‌تواند راهگشای فهم ما از پارادایم فکری عصر مشروطه باشد. تحقیق حاضر با تأسی به رهیافت اسکینری که تفسیر متن و فهم معنای آن را از طریق مطالعه متون و شناخت زمینه اجتماعی و سیاسی با تکیه بر «شیوه عمل بیانی» یا «کنش گفتاری» ممکن می‌داند، می‌کوشد تا تفاوت و تعارض مذکور را تبیین کند. در رویکرد زمینه‌باور و هرمنوتیک قصد گرای اسکینر معانی اصطلاحات و مفاهیم و گزاره‌های

هر دوره تاریخی منوط و محدود به آن دوره‌اند و برای نیل بدین مقصود باید جریان‌ها و گرایش‌های فکری، مباحث و استدلال‌های رایج و پرسش‌ها و پاسخ‌های مطرح در آن دوره را مورد تحقیق قرار داد. از این رو باید به حوادث و وقایع زندگی و زمینه فکر و عمل دهخدا به مثابه یک سوژه تاریخی توجه کنیم. تشدید تنش‌های سیاسی و صف‌آرایی موافقان و مخالفان مشروطه، نزاع‌های گفتمانی مشروع‌خواهی و مشروطه‌خواهی، حمله به دفتر روزنامه *صوراسرافیل* و وقفه بیش از یک‌ماهه در انتشار آن، در کنار تصویب قانون انطباعات و ایجاد کمیته صلح (با حضور جهانگیرخان مسئول *صوراسرافیل*) و درخواست دوری جستن از تندروی همگی کنش‌هایی هستند که باید مواضع و آراء دهخدا را به مثابه واکنش یا پاسخی به آن‌ها بدانیم.

۱. خوانش دهخدا در ارتباط با مالکیت ارضی از شوال ۱۳۲۵ تا سقوط مجلس اول

علی‌اکبر دهخدا از خلال توجه به پیشبرد پروژه اصلاح و توسعه کشور، به مقوله مالکیت (ارضی) پرداخته است. او در تحلیلی که ارائه داده است، پیشبرد پروژه اصلاحات را ضرورت وقت جامعه ارزیابی کرده که «همه هوش و عقل یک مملکت» را مشغول ساخته است. در عین حال، «عدم وجود سرمایه» را سد راه هر برنامه اصلاحی می‌بیند که تا برطرف نشود، خواست توسعه و ترقی کشور از صورت «ذهنی» فراتر نخواهد رفت و «صورت وقوع خارجی» پیدا نخواهد کرد (صوراسرافیل، ۱۳۲۵: ۱/۱۷). از همین رو در راستای حل مسئله تأمین سرمایه و ایجاد «بانک ملی» که از آن به‌عنوان یک «اساس مقدس» و عامل «بقای مملکت، دوام سلطنت و توفیق وضع و اجرای هر قانون و نظم تازه» یاد کرده است، به ارزیابی امکان‌های موجود و بالقوه کسب ثروت در جامعه پرداخته است (همان، ۲). در خلال این ارزیابی‌ها، زمین و حوزه کشاورزی به‌عنوان یکی از این امکان‌ها توجه وی را به خود جلب کرد. او با بررسی این امکان به این برداشت رسید که «زمین» منبع اصلی تولید ثروت در کشور است و جریان اصلاح‌طلب می‌تواند از طریق «کار» بر روی آن و توسعه «امر فلاحی» موانع پیش روی اصلاحات را برداشته و در نیل جامعه به توسعه و ترقی گام بردارد (همان، ۱/۱۸). ضرورت این توجه به توسعه کشاورزی، به‌عنوان مقدمه امکانی تحقق برنامه

اصلاحات، سبب شد تا دهخدا خوانش خاصی را از مالکیت ارضی ارائه کند که در آن دو نگاه متفاوت رادیکال و معتدل مشهود است.

۱.۱. خوانش رادیکال دهخدا از مقوله مالکیت ارضی ماه شوال ۱۳۲۵ق

دهخدا که از خلال توجه به پیشبرد پروژه اصلاح و توسعه کشور، به مقوله مالکیت (ارضی) توجه داشته و آن را تشریح کرده است (همان، ۱۷/ ۱-۲). او در این تشریح در نگاه اول، با بررسی روابط حاکم بر حوزه زمین‌داری و ارائه گزارشی از وضعیت رعایای ایرانی، قواعد حاکم موجود را تابع نظم فتوئالی تحلیل کرده است. وی می‌نویسد وضع رعایای ایرانی همچون وضع رعایای اروپایی دوره قرون وسطای مسیحیان است که در آن ارباب‌ها بر رعیت حق مطلق دارند:

«در قرن چهاردهم هجری اسلامی محیثی رسوم (فتوئالیته) قرون وسطای مسیحیان شده و هریک ... پانصد الی صد هزار نفر آدم‌های دوره آزادی ایران را یکف کفایت و مهارت و آقای خود گرفته‌اند ... یک رعیت بدبخت که موافق قانون اسلام با آقای خودش کفو و برابر است... در ردیف گاو و گوسفند و الاغ ارباب می‌باشد، حبس تبعید، زدن، هجر، و در بعضی مواقع کشتن رعیت از حقوق مسلم و طبیعی ارباب ایرانی بشمار می‌آید...» (همان، ۱۸/ ۱-۲).

سپس در ادامه با تکیه بر تحلیل پیش‌گفته، مناسبات زمین‌داری فتوئالی و عمل زمین‌دارها و ارباب‌ها در بی‌توجهی به زمین و رعیت را دلیل رکود کشاورزی و گسترش «فقر و فاقه» در میان اهالی مملکت می‌بیند (همان، ۲). او در شماره‌های بعدی هم به این وضع اشاره می‌کند:

«بواسطه همین بی‌اطمینانی رعیت و کارگر از دسترنج خود، و بواسطه این بی‌رغبتی مردم بفلاحت و صنعت، و بواسطه این میل مفت خورها به تجمل، بازار فلاحت و صنعت داخله تنک، و عمده آحاد ملت بی‌کار، و صنایع خارجه و عروسک‌های ملل اجنبی در داخل رایج شده فقر و فلاکت و سختی و بدبختی در طول و عرض مملکت جای هر نوع راحت، تنعم، و آسایش را پر می‌کند» (همان، ۲۳/ ۳).

بدین ترتیب، خواست رادیکال خود مبنی بر تغییر روابط فعلی حاکم بر حوزه زمین‌داری (مالکین و رعایا) را مطرح و پذیرش مالکیت رعایا بر زمینی که در آن کار می‌کنند را پیشنهاد

داده است: «... اولین وسیله تولید و ازدیاد ثروت همان توسعه فواید فلاح است. و توسعه فلاح بدون یک ذره تردید بسته باطمینان کامل رعیت بانتفاع از منافع دست رنج خود میباشد...» (همان، ۱۸/۲) در نتیجه برای جلوگیری از این «فقر عمومی و فساد اخلاق مسری بلاشک تنها مالک بودن رعیت در آن قسمت زمین که زحمتش را بعهدہ گرفته بهترین علاج مجرب و آخرین دوی منحصراًست» (همان، ۲)

این خوانش اولیه دهخدا در ارتباط با مقوله مالکیت که در شماره‌های ۱۷ و ۱۸، به ترتیب ۱۴ و ۲۱ شوال ۱۳۲۵ ق روزنامه صوراسرافیل منتشر شده بود، از لحاظ نظری به سوسیالیسم و به عبارت دقیق‌تر به سوسیال‌دموکراسی قرن نوزدهمی نزدیک است چراکه همچون سوسیالیست‌ها نظر به تحقق جبری تقسیم بدون قید و شرط زمین بین دهقانان داشته است. و در تأکید بر این ضرورت به منابع نظری آن اشاره کرده است. لزوم انجام اصلاحات در وضعیت نا به سامان جامعه و رفع احتیاجات و نیازهای کشور اولین منبع مورد اشاره وی است: «ضرورت اصلاح و احتیاجات مملکت و حقوق طبیعی انسان بلاشک به سرعتی هر چه تمام‌تر رعایای ایران را نیز از قید این ذلت و مملکت را از این فقر و بدبختی رها خواهد نمود...» (همان، ۱۸/۳) دومین منبعی که به آن توسل می‌جوید، «حقوق طبیعی انسان» است که بشر در مسیر طبیعی ترقی خود، تدوین کرده بود (همان، ۲/۲) و بعد «بواسطه مداومت بر اضرار»، آن حقوق را فراموش کرده و وضع فعلی حاکم در روابط زمین‌داری را پدید آورده که برزگر، حاصل زحمت خود را «حق ثابت ارباب» بداند و رئیس‌الوزرا «ملت را بنده هوی هوس شخصی و ثروت مملکت را سرمایه شهوترانی خود» کند (همان، ۲-۱). لذا اکنون که دوره آزادی فرا رسیده و رعایا از حقوق خود آگاه شده‌اند، استیفای دوباره حقوقشان از جمله در موضوع مالکیت (ارضی) اجتناب‌ناپذیر است (همان، ۳). او در همین مورد اشاره کرده است:

تجارب تاریخی و احکام انبیاء و اولیا و قوانین مخفی طبیعی بما می‌گوید که ملل دنیا را مانند افراد ناس دوره‌های رضاع، زمان طفولیت، حد رشد و بلوغ دارند حاکمیت صرف و حق تصرف مطلقه ولی در اموال و اعمال صغیر تا وقتی است که طفل به حد رشد، سن بلوغ نرسیده اما همین‌که به این مرتبه رسید به شهادت قواعد ثابت دنیا و احکام محکم شرایع عالم، این اختیارات به طیب خاطر و رضای ولی یا عنف و جبر تازه بالغ همیشه به

صاحبش برگشته و بر می‌گردد و چنان این امر طبیعی است که تا حال تدبیر و دسیسه هیچ وزیر سیاسی و قوت و رشادت هیچ سردار شجاع و شوکت و ابهت هیچ سلطان مقتدر از آن جلوگیری نکرده است. (صوراسرافیل ایوردون، ۱۳۲۷: ۱/۳)

سومین منبع دهخدا، ارجاع به احکام شریعت اسلام و تجربه تاریخی دوره اولیه اسلامی است. او روابط زمین‌داری موجود را متفاوت از احکام اسلام و تجربه اسلامی ارزیابی می‌کند و بر این باور است که با جاری شدن احکام واقعی شریعت اسلام، تغییر روابط حاکم نیز اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. از همین رو می‌نویسد که «رفتار دوره‌های اولیه اسلامی ما با رعایای خودمان بلاشک موافق قانون مزارعه» بوده است و وقتی که «مملکت ما در حقیقت قانونی شد یعنی قوانین محکمه اسلام را بمقام اجرا گذاردیم بلاشک همان روز نقشه معاملات کنونی ما با رعایا عرض خواهد شد». به عبارت دیگر در آن زمان تنها «قلم چهار روزنامه، نطق بیست نفر روضه‌خوان و سعی ششماهه پنجاه نفر مجاهد برای خلاص کردن رعیت از این بدبختی کنونی و برای کوتاه کردن دست ملاکین از هر نوع اجحاف و تعدی کافی است.» (صوراسرافیل، ۱۳۲۵: ۱۸/۳) و در جایی دیگر نیز تأکید می‌کند که:

«همان روز که ما توانستیم برعایا... حالی کنیم که مزارعه موافق قانون دین قیم اسلام در تحت عنوان معاملات است... [و] حکم محکم (الزرع للزارع و لو کان تواباً) را درک کرد... یک شورش عمومی حقه رعایای ایران را... باید منتظر بود... بلاشک [اگر] آن روز مبارک مسعود که احکام ازلی خدا و قوانین تغییرناپذیر عالم خلقت... ایران را گرفت تمام ارباب‌های دوره توحید دنیا... مجبورند که خود را... جیره خوار کارگران خود بدانند و معنی (أ ارباب متفرقون خیر ام الله الواحد القهار) ۲... طالع [می] شود» (همان، ۱۹/۱).

بدین ترتیب دهخدا با رجوع به مراجع فوق و با تحلیل وضعیت تاریخی وقت «خیال» واگذاری املاک به رعایا را خواست عموم جامعه تلقی می‌کند و نوید می‌دهد که «اجحاف و تعدی تصورنشدنی» مناسبات فتووالی حاکم به‌زودی بر طرف می‌شود (همان، ۲). به نظر می‌رسد این واگذاری بدون قیدوشرط زمین به رعایا و جبری‌اندیشی در خوانش دهخدا حکایت از نزدیکی نگاه او به اندیشه‌های سوسیال دموکراتیک قرن نوزدهمی دارد که بنا بر

۱. الزرع للزارع و لو کان غاصباً. قاعده فقهی که می‌گوید کشت از آن کشاورز است گرچه در زمین غصبی باشد.
۲. سوره یوسف، آیه ۳۹. آیا خدایان متفرق (بی‌حقیقت مانند بتان و فراعنه و غیره) بهترند یا خدای یکتای قاهر و غالب؟

اصل تحول اقتصادی باور داشتند که دیر یا زود و به خودی خود مالکیت از بین خواهد رفت (هالوی، ۱۳۴). علاوه بر این باید توجه داشت که حتی در نوشته‌های اولیه دهخدا که به لحاظ نظری به سوسیالیست‌های قرن نوزدهمی نزدیک است، از لحاظ عملی و تعیین استراتژی با سوسیال‌دموکرات‌های قرن بیستمی همراهی دارد که در ادامه و در تشریح نگاه دوم دهخدا به آن خواهیم پرداخت.

۲.۱. خوانش معتدل دهخدا از مقوله مالکیت ارضی از اواخر ماه شوال تا سقوط مجلس اول

همان‌گونه که گفته شد، خوانش دهخدا تنها به نگاه بالا محدود نماند. او در بخش دیگری از نوشته‌هایش به خصوص در مقالاتی که پس از توقف انتشار روزنامه (از ۲۸ شوال تا ۱۱ ذی‌الحجه) یعنی در شماره‌های ۲۱ تا ۳۱ (ذی‌الحجه ۱۳۲۵ تا جمادی‌الاول ۱۳۲۵ ق) از رادیکالیسم اولیه دوری جسته و گونه‌تعدیل‌شده طرح خود را پذیرفته است، به گونه‌ای که در نظر و عمل به برنامه‌های سیاسی و اجتماعی سوسیال‌دموکرات‌های قرن بیستمی نزدیک شده است. او در این بخش از نوشته‌ها با رجوع به موانع سد راه اصلاحات نظیر مخالفت اربابان و همچنین قوانین اسلامی حمایت‌کننده مالکیت خصوصی می‌نویسد: البته که «... مقصود ما ازین اطاله کلام آن نیست که صاحبان املاک یکباره از حقوق مالکیت و قیمت اراضی خود بی بهره بمانند... قوانین محکم اسلام نیز باینمعنی بطور کلی اجازه نداده و محرومی صاحبان املاک را دفعتاً تصویب نمی‌کند» (صوراسرافیل، ۱۳۲۶: ۲/۲۴) بلکه: «... یک طریق مستوی و صراط مستقیم هست که پیروی آن بلاشک ضامن آزادی رعیت و مالکیت او (با عدم محرومی ارباب از حق مالکیت خویش)» خواهد بود (همان، ۱۳۲۵: ۱۹/۲) و آن «تشکیل یک بانک زراعی ملی» و واگذاری و فروختن املاک به آن بانک «به بیع نسبی با تنزیل عادلانه و دریافت قیمت آن بطور استهلاک» است تا هم سرمایه بانک جهت پیشبرد پروژه اصلاحات تامین شود و هم بتوان املاک خریداری‌شده را در سهم‌های کوچک و به‌طور قسطی به رعایای محل فروخت (همان ۲/۲۱). او که ضرورت انجام این طرح را دریافته بود در جای‌جای نوشته‌های خود به امرا و هیئت حاکمه و تجار و شاهزادگان و وزرا گوشزد می‌کند که «مملکت و عرض و ناموس خودشان و دین قویم اسلام» در خطر است و

اگر «همه نوکر امین و خادم باوفای دولت جاوید آیت و جان نثار لوای اسلام هستند...» با طرح مذکور موافقت کرده، «رعیت را آسوده، مملکت را غنی، فلاح را مفید و بانک ملی را مستحکم و قوی کنند» (همان، ۱۹/۳).

گویاست که دهخدا در این قسم از نوشته‌های خود رادیکالیسم پیشین را کنار گذاشته و نگاهی تعدیلی در خصوص تحقق واگذاری زمین به رعایا را پیشنهاد کرده است. تشریح این تعارض موجود در خوانش دهخدا از لحاظ نظری به راحتی قابل فهم است. او برخلاف نوشته‌های پیشین خود که از لحاظ نظری به سوسیال‌دموکرات‌های قرن نوزدهمی نزدیک بود، در نوشته‌های بعدی از لحاظ نظری به سوسیال‌دموکرات‌های قرن بیستمی نزدیک شد. با این حال تشریح این خوانش دوگانه دهخدا در عرصه عمل و تعیین استراتژی ساده نیست. از این نظر، او از همان نوشته‌های اولیه ضمن تأکید مداوم بر جبری بودن تغییر روابط و مناسبات زمین‌داری فئودالی، استراتژی تحقق آن را از طریق پروژه اصلاحات پیشنهاد کرده است (همان، ۱۹/۲). در همین خصوص او با تأسی به گفته‌های ژان ژورس^۱ رهبر سوسیالیست‌های فرانسه در اوایل سده بیستم، از تحولات رعایای رشت به عنوان شاهدهی برای امکان انقلاب دهقانی بهره می‌جوید و می‌نویسد: «عقاید رئیس آدم‌پرست‌های دنیا (ژان ژورس) را هر کس در باب آتیه ایران دیده باشد و انقلابات قرا و قصبات رشت را در این اواخر بان ضمیمه نماید میداند که ... بزودی همه این خیالات آدم آزاد کن در ایران از اولین مسلمات قانونی خواهد شد.» (همان، ۲). او با همین یادآوری خطاب به مخالفین می‌نویسد که «برای سد راه همه این انقلابات شدنی، برای جلوگیری از همه این هرج‌ومرج‌های مقدمه اصلاح، برای آبادی مملکت از طریق فلاح، و برای مسلط شدن رعیت بکار و زحمت علاج منحصر همین است که رعایای ایران در همان قسمتی که زراعتش را به عهده گرفتند مالک و صاحب اختیار باشند» (همان، ۱۹/۲).

۱. ژان ژورس تا سال ۱۹۱۴، رهبری «حزب متحد سوسیالیستی شعبه فرانسوی بین‌الملل کارگری» فرانسه را بر عهده داشت (هالوی، ۱۳۵۸: ۱۶۸). اعضای این حزب با نظریه‌پردازی ژورس و یارانش، سوسیالیسم را از راه انقلاب میسر می‌دانستند اما قائل به این بودند که می‌توان در جامعه بورژوازی، برخی نهادهای سوسیالیستی را ایجاد و حفظ کرد چراکه سوسیالیسم را نه نفی جمهوریت، که تکامل اصول آن می‌دانستند. همچنین برای نیل به اهداف موردحمایت سوسیالیست‌ها، قائل به اتحاد با نیروهای دیگر و غیر سوسیالیست هم بودند (کولاکوفسکی، ۱۳۸۵: ۲۳). ژورس در آستانه جنگ جهانی اول در فرانسه به قتل رسید (همان، ۳۹).

او در عین این توجه به امکان اصلاح طلبی از امکان انقلاب (دهقانی) روی گردان نبوده است و همواره تأکید می‌کند که امکان انقلاب دهقانی پیش روی جامعه است و حتی استفاده احتمالی رعیت از این امکان برای استرداد حقش را توجیه اسلامی کرده است:

بموجب احکام محکمه اسلام رعایای ایران یک روز حق دارند که با صدای واحد در مقابل کرورها ملاک عدم رضایت خود را از این معامله و مواضع کنونی خود فریاد کنند، و استرداد حقوق مغضوبه طبیعی ترضیه خاطر خویش، و رفاه معیشت و بباره اخری تخفیف حقوق اربابی را با نوک بیلهای خود مطالبه نمایند. (صوراسرافیل، ۱۳۲۶: ۲/۲۴)

با این حال این توجه دهخدا به امکان تحقق انقلابی امری درونی و اصلی نیست و آن را موکول به ایجاد موانع از سوی مخالفان و وقوع شرایط احتمالی دیگر کرده است؛ به عبارت دیگر در خوانش دهخدا در عرصه عمل اصالت با امر اصلاح طلبی است. آن گونه که در ارتباط با تعیین استراتژی برنامه تقسیم زمین، تجربه عملی محقق شده تقسیم خالصه‌جات دولتی، املاک کلیسا و اراضی ملاکین میان رعایا در روسیه از طریق وضع قانون و مبارزه نمایندگان مجلس دوما را پیش روی مخاطبین قرار می‌دهد تا به الگویی واقعی و معاصر تأسی جویند. این تأسی و گزارش را در سرمقالات شماره‌های بیست و چهارم تا بیست و هفتم صوراسرافیل برای «نمونه» و «سرمشق» آورده است (همان، ۲۵/۲-۱).

۲. تبیین خوانش دوگانه دهخدا در ارتباط با مالکیت ارضی

۲.۱. تبیین روش‌شناسی تحقیق

همان گونه که می‌بینیم یک تناقضی در خوانش دهخدا در ارتباط با مقوله مالکیت ارضی وجود دارد. او در برخی از نوشته‌ها نگاهی رادیکال و سوسیال دموکراتیک قرن نوزدهمی با پوشش حقوق بشری و اسلامی دنبال کرده است؛ اما در برخی نوشته‌های دیگر به نگاهی تعدیل شده در شکل سوسیال دموکراسی قرن بیستمی گرایش پیدا کرده و با پذیرش حق مالکیت مالکان، انتقال املاک به رعایا را در ازای پرداخت بهای آن‌ها و با واسطه‌گری بانک پیشنهاد داده است. برای تبیین این تناقض و تفاوت آشکار در خوانش دهخدا از مقوله مالکیت ارضی تأسی صرف به روش‌شناسی متن باورانه که فهم متن را تنها به مطالعه صرف متن، به‌عنوان یک ابژه خودکفا و ذاتاً خودمختار، بدون توجه به زمینه اجتماعی و شرایط

تاریخی، محدود کرده است، کفایت نمی‌کند (مرتضوی، ۱۳۸۸: ۲۸۵). از این رو به نظر می‌رسد که برای تبیین این تفاوت موضع هم توجه به متن و هم توجه به زمینه اجتماعی و تاریخی آن دوره ضروری باشد. لذا در این تحقیق به رویکرد زمینه‌باور و هرمنوتیک قصدگرای اسکینر تأسی شده است که فهم متن و درک معنا و قصدیت متن را از مسیر شناخت زمینه تاریخی-اجتماعی و مطالعه خود متن ممکن می‌داند (همان، ۱۳۸۶: ۱۷۴). از نظر اسکینر برای نگارش تاریخ اندیشه و فهم متون باید متن‌ها را در درون بافت فکری و چارچوب گفتمانی آن دوره قرار دهیم تا دریابیم که مؤلفان متون چه قصدی داشته‌اند (اسکینر، ۱۳۹۳: ۱۱). به عبارتی او تفسیر متن و فهم معنای آن را از طریق مطالعه متون و شناخت زمینه اجتماعی و سیاسی با تکیه بر «شیوه عمل بیانی» یا «کنش گفتاری» ممکن می‌داند. در نتیجه در رویکرد زمینه‌باور و هرمنوتیک قصدگرای اسکینر معانی اصطلاحات و مفاهیم و گزاره‌های هر دوره تاریخی منوط و محدود به آن دوره‌اند و برای نیل بدین مقصود باید جریان‌ها و گرایش‌های فکری، مباحث و استدلال‌های رایج و پرسش‌ها و پاسخ‌های مطرح در آن دوره را مورد تحقیق قرار داد (مرتضوی، ۱۳۸۶: ۱۵۹ و ۱۷۵). علاوه بر این، در نظر اسکینر، بحث قصد و نیت مؤلف اهمیت بالایی دارد و وجه تمایز هرمنوتیک وی با هرمنوتیک متن‌گرا و زمینه‌مند در این مهم نهفته است (سوری و شاکری، ۱۳۹۵: ۲۲۷). به بیان خود اسکینر «فهمیدن متن‌ها مستلزم درک این نکته است که آن‌ها قصد داشته‌اند چه معنایی را انتقال دهند و چگونه در نظر گرفته شده است که آن معنی اختیار شود. درک کردن یک متن... مستلزم فهمیدن دو نیت است: یکی اینکه متن چه می‌گوید و چه مقصودی دارد؛ دیگر این که گفتن همان حرف به نیت انجام چه کاری صورت گرفته است یعنی هدف کنش عامدانه متن از انتقال پیامش چه بوده است» (اسکینر، ۱۵۷). بر این اساس، تنها گفتار نویسنده و یا زمینه سیاسی اجتماعی که شکل دهنده انگیزه و نیت نویسنده بوده است، مدنظر نیست، بلکه عملی که نویسنده در ضمن ارائه اندیشه‌اش به آن دست زده نیز حائز اهمیت است.

۲.۲. تبیین خوانش دوگانه دهخدا

در شوال سال ۱۳۲۵ق که نخستین نوشته دهخدا در خصوص مقوله مالکیت ارضی، در

شماره هفدهم روزنامه صوراسرافیل منتشر شد، تقریباً بیش از یک سال از صدور فرمان مشروطه و استقرار نظام جدید می‌گذشت. با این حال نه تنها مسائل مهم دوره پیشین حل نشده باقی ماند بلکه مسائل تازه‌تری نیز پیش روی جامعه قرار گرفت به گونه‌ای که از همان اوان صدور فرمان مشروطه توسط مظفرالدین شاه قاجار در جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ ق و تشکیل مجلس شورای ملی به نیت «اصلاحات لازمه و تهیه اسباب و لوازم امنیت و رفاهیت قاطبه اهالی» تنش‌های شدیدی میان هواخواهان امر اصلاح و مخالفان آن نمایان شد (کرمانی، ۱۳۸۷: ۵۵۳ و تقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۶۱). این اختلاف‌نظرها سبب شد تا از یک سو همچنان مناسبات پیشین در جامعه حاکم باقی بماند و حکام و عمال حکومتی در ایالات و ولایات خودسرانه بر اهالی ظلم روا دارند (براون، ۱۳۷۶: ۱۳۱) و از سوی دیگر تلاش‌ها برای رفع خرابی‌های کشور، اصلاح رویه‌های مالی و سروسامان دادن به اوضاع اقتصادی نتایج مثبتی به همراه نداشته باشد. در نتیجه بر هرج‌ومرج‌های دوره پیشین افزوده شد. کشور در هرج‌ومرج سیاسی قرار گرفت و اوضاع اقتصادی نیز بحرانی و خرابانه خالی اجازه هیچ‌گونه اصلاحی را نمی‌داد (همان، ۱۴۴). از این رو، بی‌نظمی در عرصه سیاسی و اقتصادی و ناامنی حاصل از آن موجب بروز اعتراضات گسترده مردمی در بسیاری از شهرها شد (همان، ۱۴۵).

این ناتوانی متصدیان نظام مشروطه در پاسخ‌گویی به مشکلات و حل معضلات جامعه که مشخصه ویژه دوره پسامشروطه اول است، عمدتاً ناشی از این تنش‌های سیاسی فکری موافقان و مخالفان مشروطه بود. محمدعلی شاه و حامیانش از همان اوان پذیرش مشروطه در شکل‌های مختلفی نظیر عدم دعوت از نمایندگان مجلس به مراسم تاج‌گذاری (کسروی، ۱۳۹۰: ۲۰۱)، اختلال در امر توشیح نظام‌نامه اساسی، ممانعت از برگزاری انتخابات در ایالات و ولایات (کرمانی، ۱۳۷۷: ۲۴ و ۳۸-۴۱)، فشار بر رعایا در ایالات و ولایات از سوی حکام انتصابی، تحرکات برنامه‌ریزی‌شده علیه مشروطه‌خواهان و انجمن‌های ایالتی و ولایتی (براون، ۴۰)، عدم پاسخ‌گویی و بی‌اعتنایی وزرای منصوب شاه و مسئولین وقت مالیه یعنی مسیو نوز و بلژیکی‌ها به مجلس (کسروی، ۲۰۷-۲۰۶) همراهی و حمایت از رفتار شیخ فضل‌الله، تأخیر در توشیح متمم قانون اساسی و غیره مانع از بهبود اوضاع شد. اگرچه در پی ترور میرزا علی‌اصغر خان امین‌السلطان اتابک اعظم به دست عباس آقا صراف تبریزی از

انجمن فدائیان در ماه رجب ۱۳۲۵ قمری، تنش‌های فکری و سیاسی موافقان و مخالفان مشروطه فروکش کرده بود، متمم قانون اساسی در ماه شعبان تصویب و شاه در ماه شوال دوباره به مجلس و مشروطه اظهار وفاداری نمود اما همچنان موانع حل مسائل اقتصادی و اجتماعی پابرجا بود به‌گونه‌ای که طرح بانک ملی که در راستای سروسامان دادن به اوضاع مالی و تأمین سرمایه اصلاح اقتصادی ارائه شده بود، محقق نشد و برنامه‌های دیگر نظیر دریافت وام مشترک از روسیه و انگلیس و یا آلمان با شکست مواجه شد. در نتیجه همچنان وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور بحرانی و آشوب و ناآرامی در شهرهایی نظیر اصفهان، شیراز، تبریز، کرمانشاه و غیره ادامه داشت (براون، ۱۴۵). بنا به این زمینه تاریخی، در شوال ۱۳۲۵ ق دهخدا نیز به‌عنوان یکی از کارگزاران آن دوره، در واکنش به کنش‌های مذکور و از خلال تشریح پروژه اصلاح که به قول وی «همه هوش و عقل مملکت» را مشغول ساخته بود، به مقوله مالکیت ارضی توجه نمود (صویراسرافیل، ۱۳۲۵: ۱/۱۷). او در واکنش به زمینه سیاسی اجتماعی وقت تنها علاج جامعه و تنها راه برون‌رفت از وضع تحمیل‌شده بر جامعه را در انجام پروژه اصلاحات دید؛ اما وقتی که با موانع پیش روی پروژه اصلاحات نظیر تنش‌های سیاسی دربار و مجلس، فقر مردم و ناتوانی آن‌ها در کمک به پروژه، عدم همراهی صاحبان ثروت، درباریان، تجار و مالکین در کنار بی‌اعتمادی و آشوب‌زدگی کشور برخورد کرد، منفعل‌نماند و در راستای رفع موانع به زمین و حوزه کشاورزی توجه کرد. بر این اساس خطاب به کارگزار وقت پاسخ داد که پیشبرد پروژه اصلاحات و رفع موانع آن از طریق توسعه حوزه کشاورزی امکان‌پذیر است. درعین‌حال، توسعه کشاورزی را از طریق تغییر مناسبات فئودالی حاکم و «اطمینان کامل رعیت بانتفاع از منافع دست‌رنج خود» میسر می‌دید. در ادامه نیز خوانش سوسیالیستی خود از مقوله مالکیت را ارائه کرد و نوشت: «تنها مالک بودن رعیت در آن قسمت زمین که زحمتش را بعهده گرفته بهترین علاج مجرب و آخرین دواى منحصر است» (همان، ۱/۱۸، ۲). همچنین با تأسی به حقوق طبیعی انسانی و لزوم تغییر وضع جامعه پذیرش این اصلاح اجتماعی را ضرورت وقت، طبیعی و اجتناب‌ناپذیر بیان می‌کند (همان، ۳). این برداشت سوسیالیستی دهخدا در فضای زبانی و گفتمانی آن دوره و حتی پیش‌تر از آن نیز وجود داشته است. طالبوف پیش از وقوع انقلاب مشروطه در کتاب خود *مسالك المحسنين* وعده تقسیم زمین میان رعایا در آینده نزدیک را داده بود

(طالبوف: بی تا، ۱۱۹). افزون بر این سوسیالیست‌های ایرانی در «فرقه اجتماعیون عامیون ایرانیان قفقازیه» نیز در یکی از سندهای منتشرشده خود، خواست سوسیالیستی «ملک و زمین در اختیار آن کس باشد که با رنج دست خود می‌کارد» را دنبال می‌کردند (شاکری، بی تا: ۴۱-۴۰). گردانندگان روزنامه *صوراسرافیل* و از جمله دهخدا نیز در زمره افرادی بودند که با شروع فعالیت این فرقه در داخل کشور به همکاری و یا عضویت در شعبه‌های داخلی آن ترغیب شده بودند. به گونه‌ای که میرزا جهانگیرخان شیرازی در شعبه تهران فرقه مذکور عضویت داشت (حکیم‌الملک، ۱۳۲۷: ۱۲) و برخی از منابع نیز به ارتباط دهخدا با گروه‌ها و هسته‌های فکری این فرقه اشاره کرده‌اند (ملک‌زاده، ۱۳۷۱: ۴۱۸-۴۱۷). از همین رو خوانش سوسیالیستی دهخدا در ارتباط با این فضای زبانی و گفتمانی ارائه شده است. علاوه بر این، این باور جبری دهخدا درخصوص مقوله مالکیت ارضی نشان از این تأثیرپذیری و نزدیکی دارد چراکه سوسیالیست‌های معاصر وی نیز باور داشتند که بنا بر اصل تحول اقتصادی دیر یا زود و به خودی خود مالکیت از بین خواهد رفت (هالوی، ۱۳۴). این جبرگرایی دهخدا علاوه بر اینکه تعلق خاطر وی به سوسیالیسم را نشان می‌دهد در واقع واکنشی است به مالکان و مخالفان طرح مذکور و می‌خواهد بگوید که تحقق تملکیت رعایا ضرورت دوره اصلاحات است و خواه‌ناخواه و دیر یا زود محقق می‌شود و بدین منظور به قواعد حقوق بشری وقت ارجاع می‌دهد. همچنین در فضای زبانی و گفتمانی معاصر دهخدا تنش مشروعه‌خواهی و مشروطه‌خواهی تشدید شده بود و گفتمان مشروعه‌خواهی برخی از اصول قانون اساسی مشروطه را معایر با دین اسلام اعلام کرده و بیش از هر زمانی صدایش علیه مشروطه بلند شده بود (کسروی، ۳۱۶-۳۱۵ و ۳۲۶؛ براون، ۱۵۱). لذا دهخدا در واکنش به این نزاع گفتمانی، خوانش سوسیالیستی خود از مقوله مالکیت ارضی را جامه اسلامی پوشاند تا از مانع سازی مشروعه خواهان جلوگیری کند (صوراسرافیل، ۱۳۲۵: ۳/۱۸ و ۱/۱۹).

با این حال شرایط اقتصادی اجتماعی و تشدید تنش‌های سیاسی فکری وقت مانع از ادامه خوانش سوسیالیستی دهخدا در شکل رادیکال آن شد. در فاصله ارائه خوانش دهخدا، حوادثی نظیر برهم خوردن نظم سیاسی و اجتماعی با درگیری و صف‌آرایی موافقان و

مخالفان مشروطه در میدان توپخانه و مسجد سپه‌سالار (کسروی، ۵۰۷-۵۰۳)، حمله مجدد^۱ به دفتر روزنامه *صوراسرافیل* و وقفه در انتشار آن، ۲۸ شوال تا ۱۱ ذی‌الحجه، (همان، ۲۰/۱)، گرایش مشروطه‌خواهان به دوری جستن از دامن زدن به نزاع گفتمانی مشروطه‌خواهی و مشروطه‌خواهی، مصالحه موقتی مجلس و دربار برای دوری از تندروی و در ادامه توسل طرفداران هر دو گفتمان به خشونت نظیر قتل ارباب فریدون زرتشتی و بمب‌افکنی به کالسکه شاه (براون، ۱۸۹)، تصویب قانون انطباعات (مشروح مذاکرات مجلس، دوره اول، ۱۳۲۵ ق)، ورود سربازان ترک به ساوجبلاغ و ناتوانی فرمانفرما از مقابله با آن‌ها (براون، ۱۸۹)، شکایت وزیرمختار روسیه از عملکرد انجمن‌های ملی و تهدید به دخالت در امور داخلی کشور (همان، ۱۹۲)، تشدید ناامنی و بروز اعتراضات مردمی در شهرهای مختلف و بعدتر ایجاد کمیته صلح با حضور سید جمال‌الدین واعظ، میرزا جهانگیرخان *صوراسرافیل*، محمدرضا مساوات شیرازی و برخی دیگر از نمایندگان صاحب نفوذ در افکار عامه با نیت آرام کردن تنش‌ها (همان، ۱۹۱-۱۹۰) از جمله عوامل تأثیرگذار و کنش‌های بودند که موجب تغییر رویه دهخدا از رادیکالیسم اولیه و گرایش او به اعتدالیسم بود؛ به عبارت دیگر تعدیل خوانش سوسیالیستی دهخدا در ارتباط با مقوله مالکیت که در شماره‌های ۱۷ و ۱۸، به ترتیب ۱۴ و ۲۱ شوال ۱۳۲۵ ق روزنامه *صوراسرافیل* منتشر شده بود، در نوشته‌های بعدی او به خصوص در مقالاتی که پس از توقف انتشار روزنامه (از ۲۸ شوال تا ۱۱ ذی‌الحجه) یعنی در شماره‌های ۲۱ تا ۳۱ (ذی‌الحجه ۱۳۲۵ تا جمادی‌الاول ۱۳۲۵ ق) رخ داده، واکنش دهخدا به کنش‌های گفته‌شده در زمینه تاریخی آن دوره بود. آن‌چنان‌که اتخاذ این تاکتیک به‌عنوان یک واکنش در مقابل کنش‌های موجود جامعه، پیش از دهخدا نیز از سوی دیگر سوسیال‌دموکرات‌های ایرانی پذیرفته شده بود. آن‌ها در نشست مشهد (شعبان ۱۳۲۵ ق) آن‌چنان‌که در مرامنامه‌شان مشهود است، خواست‌های رادیکال خود را تعدیل کردند. برای نمونه خواست تقسیم زمین چنین تعدیل شد که: «دهات و املاک سلطنتی و همچنین دهات و املاک مالکینی که علاوه بر احتیاج زندگی آن‌ها باشد، بایستی اولی‌ها بلاعوض و دومی‌ها توسط بانک خریداری شده، بین اهالی و دهاقین تقسیم گردد» (اتحادیه، ۱۳۸۱: ۴۹۷).

۱. توقیف پیشین روزنامه *صوراسرافیل* - ۱۰ شعبان تا ۲۹ رمضان ۱۳۲۵ ق - به خاطر انتشار مطالب رادیکال وی در صوص آزادی و بینش توحیدی در شماره‌های ۱۲ و ۱۳ بود (صوراسرافیل، ۱۳۲۵: ۱۲/۳-۱۳ و ۱۳/۳-۱).

بنابراین به نظر می‌رسد که دوگانگی موجود در خوانش دهخدا در ارتباط با مقوله مالکیت ارضی در پاسخ به وضعیت اجتماعی و مسائل روز اتفاق افتاده و به این شکل قابل توضیح و تبیین است. به بیان دیگر این دوگانگی و این چرخش از رادیکالیسم به اعتدالیسم یک تحول متنی و اعتقادی نیست و از درون اندیش‌مند و روشنفکر در اینجا دهخدا برنخاسته است بلکه متأثر از اقتضائات زمانه رخ داده است. از همین رو می‌توان گفت که خوانش اولیه که خوانشی سوسیالیستی بود، مراد دهخدا بوده است. در جای‌جای نوشته‌های او تعلق خاطرش به سوسیالیسم مشهود است، هم در بحث نظری نظیر تلقی او در خصوص حاکمیت مناسبات فتودالی بر جامعه ایران و باورمندی جبری او به تحقق خواست تملکیت رعایا، هم در عمل نظیر رجوع و ارجاعش به اندیشه‌های ژان ژورس سوسیالیست فرانسوی. علاوه بر این، او در شماره ۲۹ روزنامه *صوراسرافیل* صریحاً پرده از قصد سوسیالیستی خود بر می‌دارد. به گونه‌ای که تحقق برنامه واگذاری زمین به رعایا را به‌عنوان امری اجتماعی و گامی در جهت پیشبرد جامعه به‌سوی سوسیالیسم معرفی کرده است. او در پاسخ به منتقدان خود که بنا به تجربه ملل مختلف تحقق اصلاحات سیاسی و روحانی را مقدمه شروع اصلاحات اجتماعی فرض می‌کردند، می‌گوید در عصر حاضر، به همان اندازه که تمدن بشری به‌وسیله «آزادی‌های سیاسی و ملائمت امور روحانی» پیش رفته، به همان درجه ازدیاد «عده سرمایه‌داران بزرگ و ملاکین عمده» و سلطه و اقتدار آن‌ها و در نتیجه محرومیت فقرا را به دنبال داشته است و «قانون در ضمن هزاران فوائد عام‌المنفعه بلاشک تسلط اغنیا، عبودیت فقرا و اجتماع اموال هیئت را در مراکز معین محافظت کرده، آقائی یک قسمت و بندگی قسمت دیگر را ابدی می‌کند» (*صوراسرافیل*، ۱۳۲۶: ۲/۲۹).

در نتیجه از خلال نقد نظام سرمایه‌داری وقت که آن را منحرف‌شده از جاده اصلی و آدم‌کش‌تر از نرون رومی و ضحاک ایرانی می‌بیند، توصیه می‌کند که امروز برای پیش بردن «اولین مقصود بزرگ دنیا و آخرین اصل اطمینان آزادی حقیقی بشر هیچ عایقی در کار ما نیست» و تنها لازمه تحقق آن این است که باور کنیم که «این کار شدنی و از مختومات تقدیر هیئت‌های بشری» است. گویاست که او زمینه را برای توجه به لزوم و وجوب اصلاح مسائل اجتماعی جامعه به‌صورت عام و تحقق امر تقسیم زمین به‌صورت خاص در دوره

زیسته خود، فراهم می‌بیند. از نظر او به سبب توفیق «مذهب مقدس اسلام» با اصول «سوسیالیسم» و «قلت عدد سرمایه‌داران»، جامعه مستعد هر نوع از اصلاحات اجتماعی نظیر اصلاح نظام ارضی در قالب طرح تقسیم زمین است. یعنی دهخدا انجام اصلاحات اجتماعی در ایران و گذار به سوسیالیسم در شرایط فعلی را کاملاً امکان‌پذیر ارزیابی می‌کند و خواستار گذار جامعه از دوره فئودالیت به دوره سوسیالیسم (بدون اینکه وقوع مرحله سرمایه‌داری لازم باشد) می‌شود و تحقق این خواست را مانعی برای جلوگیری از برقراری نظام سرمایه‌داری در جامعه می‌پندارد که ممکن است در آینده زحمات زیادی را بر آن تحمیل کند (همان، ۲). این نگرش دهخدا در توجه به سوسیالیسم جای تردیدی را درخصوص گرایش دهخدا به سوسیالیسم (سوسیالیسمی که خود می‌فهمد)، باقی نمی‌گذارد. این توجه تا جایی پیش می‌رود که وی، یک مسلمان حقیقی را یک سوسیالیست معرفی می‌کند (همان، ۳). بدین ترتیب می‌توان گفت که خوانش دهخدا خوانشی سوسیالیستی است. هرچند علیرغم همه تلاشی که داشت، درنهایت تحقق این طرح متأثر از وضعیت سیاسی اجتماعی آن دوره ناتمام ماند. دوباره تنش موافقان و مخالفان مشروطه تشدید شد و شاه برای تدارک قشون و شروع ماجرابی دیگر به باغ شاه رفت (همان، ۱/۳۱) و مدتی بعد نیز طنز نوشته دهخدا را تحقق بخشید: «... دولت ما هم می‌خواهد یواشکی این قشونها را با سم خراب کردن مجلس و گرفتن سید جمال و ملک و هر چه مشروطه‌طلب یعنی مفسد هست جمع کند...» (همان، ۸/۳۲)

نتیجه‌گیری

با بررسی دیدگاه دهخدا، تعارضی در مواضع و آراء او دیده شد. در برخی از نوشته‌ها، نگاهی رادیکال با پوشش حقوق بشری و اسلامی را دنبال کرده و از واگذاری بدون قیدوشرط زمین به رعایا سخن گفته و تحقق جبری آن را از طریق پروژه اصلاحات و یا در صورت لزوم از طریق امکان انقلاب دهقانی دیده است؛ اما در برخی نوشته‌های دیگر نگاهی تعدیل‌شده را دنبال کرده و با پذیرش حق مالکیت مالکان، انتقال املاک به رعایا را در ازای پرداخت بهای آن‌ها و با واسطه‌گری بانک پیشنهاد داده است. این دیدگاه دهخدا را با توجه به تعارضی که در آن وجود داشت، در دو شکل از اشکال گفته‌شده در سنخ‌شناسی بالا یعنی

سوسیال دموکراتیک قرن نوزدهمی و سوسیال دموکراسی قرن بیستمی قرار گرفت. این دوگانگی و تعارض آشکار در دیدگاه دهخدا با تأسی به هرمنوتیک زمینه‌باور و قصدگرایی اسکینر تبیین شد. در این تبیین از طریق شناخت مسائل فرا متنی، جریان‌ها و گرایش‌های فکری، وضعیت سیاسی اجتماعی، مباحث و استدلال‌های رایج و پرسش‌ها و پاسخ‌های مطرح آن دوره، توجه به دیگر متون معاصر، فضای زبانی و گفتمانی حاکم، وضعیت واقعی و عملی و بالفعل در لحظه نگارش این متون و زمینه فکر و عمل دهخدا به‌مثابه یک سوژه تاریخی متوجه شدیم که تعارض موجود یک اتفاق اندیشگی و از درون نبوده است. به‌بیان دیگر این دوگانگی و این چرخش از رادیکالیسم به اعتدالیسم یک تحول متنی و اعتقادی نیست بلکه متأثر از اقتضائات زمانه و کنش‌های رخ داده در آن دوره است. تشدید تنش‌های سیاسی و صف آرایی موافقان و مخالفان مشروطه، نزاع‌های گفتمانی مشروعه‌خواهی و مشروطه‌خواهی، حمله به دفتر روزنامه *صوراسرافیل* و وقفه بیش از یک ماهه در انتشار آن، در کنار تصویب قانون انطباعات و ایجاد کمیته صلح (با حضور جهانگیرخان مسئول *صوراسرافیل*) و درخواست دوری جستن از تندروی همگی از جمله کنش‌هایی هستند مواضع و آراء دهخدا به‌مثابه واکنش یا پاسخی به آن‌ها بوده است.

منابع و مأخذ

کتاب‌ها

- قرآن.
- آدمیت، فریدون (۲۵۳۵)، *فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران*، تهران، انتشارات پیام.
- آدمیت، فریدون (۱۹۸۵)، *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*، سوئد، کانون کتاب ایران.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۸۱)، *پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت*، تهران، کتاب سیامک.
- استار، پل (۱۳۸۸)، *قدرت آزادی؛ نیروی راستین لیبرالیسم*، ترجمه فریدون مجلسی، تهران، نشر ثالث.
- باتلر، ایمن (۱۳۸۷)، *اندیشه‌های سیاسی و اقتصادی هایک*، ترجمه فریدون تفضلی، تهران، نشر نی.
- بال، ترنس و دگر، ریچارد (۱۳۹۰)، *آرمان‌ها و ایدئولوژی‌ها*، ترجمه احمد صبوری کاشانی، تهران، کتاب آمه.
- براون، ادوارد (۱۳۷۶)، *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه مهری قزوینی، تهران، انتشارات کویبر.
- پولادی، کمال (۱۳۸۹)، *تاریخ اندیشه سیاسی در غرب؛ قرن بیستم*، تهران، نشر مرکز.
- درودیان، ولی‌الله (۱۳۸۴)، *دهخدا، شاعر*، تهران، امیرکبیر.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۶۱)، *حیات یحیی*، تهران، انتشارات عطار - فردوسی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۲)، *دیوان*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، تیراژه.
- ————— (۱۳۶۲)، *مقالات دهخدا*، به کوشش سید محمد دبیر سیاقی، تهران، تیراژه.
- ————— (۱۳۹۷)، *مقالات دهخدا*، به کوشش سید محمد دبیر سیاقی، تهران، اخوان خراسانی.
- ————— (۱۳۵۸)، *نامه‌های سیاسی دهخدا*، به کوشش ایرج افشار، تهران، چاپخانه

- بهمن (روزبهان).
- سلیمانی، بلقیس (۱۳۸۸)، *همنوا با مرغ سحر (زندگی و شعر دهخدا)*، تهران، نشر ثالث.
 - سیف، احمد (۱۳۸۲)، *در انکار خودکامگی: چند مقاله درباره علی اکبر دهخدا*، تهران، رسانش.
 - شاکری، خسرو (۱۳۸۴)، *پیشینه‌های اقتصادی-اجتماعی جنبش مشروطیت*، تهران، اختران.
 - طالب‌اوف، عبدالرحیم (بی‌تا)، *مسالك المحسنين*، بهمت محمد رضانی، شاه آباد، چاپخانه خاور.
 - طالقانی، محمود (۱۳۵۹)، *اسلام و مالکیت*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
 - عزیززاده، حسن (۱۳۷۷)، *فرهنگ خاص علوم سیاسی*، تهران، انتشارات روزنه.
 - علوی، ابوالحسن (۱۳۶۳)، *رجال عصر مشروطیت*، به کوشش نخستین حبیب یغمایی، بازخوانی و تجدید چاپ به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر.
 - عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۱)، *قواعد فقه*، تهران، انتشارات سمت.
 - کسروی، احمد (۱۳۹۰)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
 - کولا کوفسکی، لشک (۱۳۸۵)، *جریان‌های اصلی در مارکسیسم*، ترجمه عباس میلانی، تهران، انتشارات آگاه.
 - کوئنتین، اسکینر (۱۳۹۹)، *بینش‌های علم سیاست (جلد اول: در باب روش)*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، فرهنگ جاوید.
 - مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، *نظری به نظام اقتصادی اسلام*، تهران، انتشارات صدرا.
 - ملک‌زاده، مهدی (۱۳۷۱)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، تهران، انتشارات علمی.
 - ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد بن علی (۱۳۸۷)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، بخش اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
 - ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد بن علی (۱۳۷۷)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، بخش دوم، تهران، نشر پیکان.
 - هاروی، دیوید (۱۳۸۶)، *تاریخ مختصر نئولیبرالیسم*، ترجمه محمود عبدالله‌زاده، تهران، نشر

اختران.

- هالوی، الی (۱۳۵۸)، *تاریخ سوسیالیسم اروپایی*، ترجمه جمشید نبوی، تهران، دانشگاه تهران.
- یزدانی، سهراب (۱۳۸۶)، *صویراسرافیل؛ نامه آزادی*، تهران، نشر نی.
- یزدانی، سهراب (۱۳۹۱)، *اجتماعیون عامیون*، تهران، نشر نی.

مقاله‌ها

- سوری، امیرمحمد و شاکری، سیدرضا (۱۳۹۵)، «مقایسه تطبیقی روش «اسکینر» و «طباطبایی» در تاریخ اندیشه»، *پژوهش سیاست نظری*، ۲۰(۱۱)، ۲۰۷-۲۳۰.
- مرتضوی، سیدخدایار (۱۳۸۸)، «کاوشی در روش‌شناسی تاریخ اندیشه‌های سیاسی (مطالعه موردی: نقد اسکینر بر روش‌شناسی قرائت مننی)»، *فصلنامه سیاست*، ۳۹(۱)، ۲۸۵-۳۰۴.
- مرتضوی، سیدخدایار (۱۳۸۶)، «تبیین روش‌شناسی اندیشه سیاسی از منظر کوئنتین اسکینر»، *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، ۳(۱)، ۱۵۹-۱۹۲.

روزنامه‌ها

- *صویراسرافیل* (۱۳۲۵)، شماره ۱، ۱۷ ربیع‌الآخر ۱۳۲۵.
- *صویراسرافیل* (۱۳۲۵)، شماره ۲، ۲۴ ربیع‌الآخر ۱۳۲۵.
- *صویراسرافیل* (۱۳۲۵)، شماره ۵، ۱۵ جمادی‌الاولی ۱۳۲۵.
- *صویراسرافیل* (۱۳۲۵)، شماره ۱۲، ۲۶ رجب ۱۳۲۵.
- *صویراسرافیل* (۱۳۲۵)، شماره ۱۳، ۳ شعبان ۱۳۲۵.
- *صویراسرافیل* (۱۳۲۵)، شماره ۱۴، ۱۰ شعبان ۱۳۲۵.
- *صویراسرافیل* (۱۳۲۵)، شماره ۱۷، ۱۴ شوال ۱۳۲۵.
- *صویراسرافیل* (۱۳۲۵)، شماره ۱۸، ۲۱ شوال ۱۳۲۵.
- *صویراسرافیل* (۱۳۲۵)، شماره ۱۹، ۲۸ شوال ۱۳۲۵.

- صوراسرافیل (۱۳۲۵)، شماره ۲۰، ۱۱ ذی حجه ۱۳۲۵.
- صوراسرافیل (۱۳۲۵)، شماره ۲۱، ۱۸ ذی حجه ۱۳۲۵.
- صوراسرافیل (۱۳۲۶)، شماره ۲۴، ۲۴ محرم ۱۳۲۶.
- صوراسرافیل (۱۳۲۶)، شماره ۲۵، ۹ صفر ۱۳۲۶.
- صوراسرافیل (۱۳۲۶)، شماره ۲۶، ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۲۶.
- صوراسرافیل (۱۳۲۶)، شماره ۲۷، ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۶.
- صوراسرافیل (۱۳۲۶)، شماره ۲۹، ۱۲ ربیع‌الآخر ۱۳۲۶.
- صوراسرافیل (۱۳۲۶)، شماره ۳۰، ۲۴ ربیع‌الآخر ۱۳۲۶.
- صوراسرافیل (۱۳۲۶)، شماره ۳۱، ۱۱ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶.
- صوراسرافیل (۱۳۲۶)، شماره ۳۲، ۲۰ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶.
- صوراسرافیل (۱۳۲۷)، شماره ۱، ۱ محرم ۱۳۲۷.
- صوراسرافیل (۱۳۲۷)، شماره ۲، ۱۵ محرم ۱۳۲۷.